

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و ششم

تابستان ۱۴۰۰

کنش گری فقیهان حله در نشر فرهنگ اسلامی پس از حمله مغول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۳/۱۷

مهديه مهدوی کنی^۱

غفلت از دیدگاه‌ها و عملکرد عالمان دینی و فقیهان در حوزه‌های مختلف اجتماعی سبب شده است تدابیر، رویکردها و اقدامات آنها کمتر، نقد و بررسی شود و این میراث سترگ، کمتر در اختیار نخبگان و نقش‌آفرینان اجتماعی در سده‌های بعد قرار گیرد. توجه به کنش‌گری فقیهان و عالمان دینی به ویژه در مقاطعی از تاریخ که جامعه اسلامی دچار بحران‌ها و چالش‌های فراگیر بوده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. عدم توجه به این گونه، پژوهش‌های تاریخی - اجتماعی سبب شده است برخی مراکز و نهادهای دینی، متهم به بی‌توجهی به شرایط، بسترها و نتایج فرهنگی و اجتماعی کنش‌های اجتماعی گردند.

این مقاله با تکیه بر منابع کتاب‌خانه‌ای و استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این مسئله است که فقیهان حله در سده‌های هفتم و هشتم هجری که جهان اسلام دچار پی‌آمدهای حمله مغول و سقوط خلافت عباسی بود از کدام بسترها، ابزارها و قالب‌ها در حوزه نشر فرهنگ

۱. دکتری تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع): (mahdiemah@isu.ac.ir).

دینی بهره برده‌اند؟ از نتایج این مقاله می‌توان به اهتمام فقیهان حله به تسهیل مرادفات فرهنگی، سوق دادن مناقشات مذهبی به مذاکرات علمی، تأکید بر اخلاق به عنوان زیر بنای فرهنگ اسلامی، مسئولیت‌پذیری فرهنگی، پرهیز از قرائت‌های منفعلانه در حوزه فرهنگ دینی و استفاده از ابزارها و قالب‌های فرهنگی در حوزه نشر فرهنگ و آموزه‌های مذهبی اشاره کرد.

کلیدواژگان: فقیهان، فرهنگ دینی، حله، کنش‌گری اجتماعی، تشیع.

۱. مقدمه

فرهنگ از دیر باز به عنوان روح حاکم بر حیات مادی و معنوی جوامع، نقش مهمی در تعالی یا انحطاط دولت‌ها و ملت‌ها داشته است. غفلت از چالش‌ها و مسائل فرهنگی سبب می‌شود تلاش‌ها، سیاست‌ها و اقدامات نخبگان و مؤثران اجتماعی و دینی با وجود توفیقات ظاهری نتواند زمینه ساز کام‌یابی، تعالی و سعادت جوامع بشری گردد. توجه به نیازها و مسائل فرهنگی در تمامی حوزه‌های تصمیم‌گیری خواهد توانست علاوه بر جبران خلأهای فرهنگی، فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و مذهبی را تسریع کند. عالمان دینی به ویژه فقیهان از دیرباز به دلیل رسالت مستمرشان در پاسخ‌گویی به مسائل روزمره و گسترده مکلفان با چالش‌ها و مسائل فرهنگی جامعه، بیش از دیگر عالمان دینی مواجه بوده‌اند و کمتر از بسترها و نتایج فرهنگی فتاوای خود غافل شده‌اند. ایشان در مواردی با به کار بستن قواعدی، چون احکام ثانوی تلاش می‌کنند، احکام اولیه را ناظر به شرایط فرهنگی تعدیل نمایند. عالمان شیعه در عصر پر تلاطم قرن هفتم هجری که جامعه اسلامی به سبب هجوم مغولان و سقوط خلافت عباسی با دگرگونی‌های پر دامنه و خطیر سیاسی، اجتماعی و به ویژه فرهنگی مواجه بود، تلاش می‌کردند در کنار ایفای نقش دینی و علمی خود به عنوان یک فقیه، اوضاع و تحولات

فرهنگی جامعه را به دقت دنبال کنند و کنش‌های علمی و فرهنگی خود را ناظر به آن تحقق بخشند.

فقیهان شیعه این عصر به ویژه فقیهان قلمروی جغرافیایی حله با تقویت و ارتقای نقش فرهنگی و مذهبی حله به عنوان کانون رهبری علمی شیعیان در این دوره تلاش می‌کردند بنیان‌های فرهنگی جامعه را حفظ کنند و رونق بخشند. این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این مسئله است که فقیهان شیعه حله چه راه‌کارهایی را ناظر به مسائل و تحولات فرهنگ دینی عصر خویش به کار گرفته‌اند؟

در دوره زمانی این تحقیق، حمله مغولان به سرزمین‌های اسلامی، علاوه بر تخریب مصادیق و منابع غنی فرهنگی و تمدنی در بخش مهمی از سرزمین‌های خلافت عباسیان، یأس و ناامیدی سطوح مختلف جامعه را فرا گرفته بود. بسیاری از مراکز تمدنی از جمله مدارس، کتابخانه‌ها، مسجدها و مکتب‌خانه‌ها در جریان یورش مغولان ویران شدند. انجمن‌ها و محافل علمی متفرق گشتند و پشتوانه‌های مادی و معنوی این کانون‌های تمدنی از میان رفت.

هم‌چنین از هم‌گسستن ساختارها و سازمان‌های اداری، اجتماعی، فرهنگی و علمی، امید هرگونه بازسازی فرهنگی را به یأس مبدل می‌نمود. در این میان، حله^۱ که با همت دولت‌مردان بنی مزید (۵۴۵-۵۴۰۳ ه.ق.) به کانون علمی شیعیان تبدیل شده بود با تدابیر و اقدامات گسترده عالمانی چون نجم‌الدین جعفر بن حسن (د. ۵۶۷۶ ه.ق.) مشهور به محقق حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (د. ۵۷۲۶ ه.ق.) مشهور به علامه حلی، محمد بن حسن (د. ۵۷۷۱ ه.ق.) مشهور به فخرالمحققین، رضی‌الدین علی بن موسی (د. ۵۶۶۴ ه.ق.) مشهور به

۱. این شهر به دست چهارمین امیر مزیدی به نام صدقه بن منصور در سال ۴۵۹ ه.ق. تأسیس

سید بن طاووس^۱، جعفر بن محمد (د. ۵۶۸۰.ق.) مشهور به ابن‌نما حلی نقش مضاعفی را در صیانت و بازآفرینی فرهنگی و مذهبی بر عهده داشت.

دولت‌مردان حله با دعوت و تعظیم دانشمندان سبب شدند این شهر طی گذشت دو قرن از رونق اولیه آن به یکی از فعال‌ترین مراکز علمی در سده هفتم هجری تبدیل شود. در کنار تدابیر هوش‌مندانه برخی عالمان شیعه مانند خواجه نصیرالدین طوسی (د. ۵۶۷۲.ق.)، سدیدالدین حلی (زنده ۵۶۶۵.ق.)^۲ و سید بن طاووس^۳ در مصون ماندن حله از حمله خانمان سوز مغول، جامعیت عملکرد عالمان و فقیهان این شهر، نقش مهمی در صیانت و توسعه فرهنگ اسلامی ایفا نموده است.

حاصل‌خیزی حله، بازار پر رونق، تأسیسات رفاهی، دستیابی به راه آبی، میراث ارزش‌مند باقی مانده از بزرگان حوزه بغداد و نجف، مانند شیخ طوسی در قرن چهارم، آثار برجای مانده از بزرگان علمی این شهر در قرن ششم و نزدیک بودن به عتبات عالیات از عوامل مستقیم و غیرمستقیم در این نقش‌آفرینی بودند. این بسترها سبب شدند علاوه بر

۱. محدث، ادیب، شاعر و فقیه، بیشترین آثارش در زمینه اوراد، ادعیه، زیارات و آداب دینی است. او کتاب‌خانه‌ای با ارزش و بزرگ داشته است. بسیاری از فقهای بزرگ، مانند علامه حلی و پدرش، عبدالکریم بن طاووس، ابن‌فهد حلی، محمد بن احمد بن صالح القسینی از او روایت کرده‌اند.

۲. پدر علامه حلی، محقق، مدرس و بزرگ فقیهان و متکلمان عصر خود بوده است. او از سید فخار بن معد موسوی (د. ۵۶۳۰.ق.)، سید علی بن موسی ابن طاووس (د. ۵۶۶۴.ق.)، و سالم بن محفوظ بن وشاح، یحیی بن محمد بن الفرج سوراوی، سید احمد بن یوسف بن احمد عریضی، خواجه نصیرالدین طوسی، علی بن ثابت بن عصیده سوراوی، سید محمد بن حسن حسینی بغدادی و مهذب الدین حسین بن ابی الفرج بن ردة النیلی (د. ۶۴۴.ق.) روایت کرده است.

۳. ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، ج ۳، ص ۹۵.

شخصیت‌ها، خاندان‌های مهمی مانند آل‌نما، آل‌طاووس، آل‌مطهر، آل‌معیه و آل‌اعرج در بستر زمانی طولانی، زعامت فرهنگی و مذهبی این شهر و به تبع آن، سایر جوامع شیعی را برعهده گیرند.

درباره موضوع نقش حله در تحولات فقهی و کلامی، آثار ارزش‌مندی به نگارش در آمده است، اما پی‌گیری کنش‌گری فقیهان این شهر در عرصه تحولات فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این آثار عبارت است از: فقه و سیاست در مکتب حله^۱، شهیدین در کشاکش دو جریان کلامی مدرسه حله^۲، پیشگامان تقریب: علامه حلی یوسف بن مطهر (آفتاب حله)^۳، جغرافیای تاریخی حله بستر شکوفایی مدرسه حله در دوره ایلخانی^۴، شهر حله در قرن هفتم تا نهم هجری؛ یک سنجش تمدنی، نخبگان میان وطن‌گرایی و جهان‌گرایی^۵.

هم‌چنین، با مراجعه به منابع تاریخی این دوره و آثار برجای مانده از فقیهان این شهر می‌توان کنش‌گری فقیهان حله را در عرصه فرهنگ اسلامی در محورهای زیر برشمرد.

۲. الگو سازی و صیانت از شخصیت‌ها و طبقات مؤثر در فرهنگ اسلامی

پس از حمله مغول، جامعه اسلامی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هویتی دچار دگرگونی و سردرگمی شده بود که برجسته ساختن عناصر هویت‌ساز فرهنگی می‌توانست تا حدودی

۱. رهدار، گفتمان فقه حکومتی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، سال ۲.

۲. سبحانی، تقد و نظر، زمستان ۱۳۸۸.

۳. ابوالحسنی، اندیشه تقریب، ۱۳۸۶، ش ۱۱.

۴. حاجی تقی، تاریخ ایران، بهار ۱۳۸۸، ش ۲.

۵. مردیها، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۱، ش ۶.

آحاد جامعه را پیرامون مؤلفه‌های فرهنگی مجتمع کند و انسجام بخشد. تأکید بر جایگاه و تعظیم سادات و منتسبین به رسول خدا ﷺ به عنوان گروهی اجتماعی که یادآور باورها و سنت‌های اسلامی بودند، مورد توجه بسیاری از نخبگان و بزرگان قرار گرفت.

فقیهان حله، هم‌چون محقق حلی و علامه حلی با وجود این که خود از سادات نبودند علاوه بر بیان احکام اختصاصی سادات به صورت ویژه، عموم مردم را به تعظیم جایگاه سادات توصیه می‌نمودند. این توصیه‌ها در مواردی به صورت بیان احادیث معصومین علیهم‌السلام در این خصوص و در مواردی به عنوان یک بند مورد تأکید در وصایا مورد توجه قرار می‌گرفت. به طوری که علامه حلی در وصیت به فرزند خود، فخرالمحققین محبت و دل‌جویی از علویان و سادات را مقدم بر سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی می‌داند و احترام و خدمت به سادات را موجب از بین رفتن گناهان و هم‌نشینی با پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در بهشت بر می‌شمارد.

او علاوه بر تکریم‌های پیش گفته، تلاش می‌کرد جایگاه اجتماعی سادات در سایر سرزمین‌ها را نیز تأیید کند. به عنوان نمونه، زمانی که یکی از نقیبان حجاز به نام مهنا بن سنان بن عبدالوهاب حسینی (د. ۷۵۴ ه. ق.) فهرستی از سؤالات دینی را به نزد وی ارسال کرد، علامه در رساله‌ای مستقل، پس از تعظیم و تکریم به تمامی سؤالات او پاسخ داد.^۱ برخی از سادات فقیه حله با وجود بی‌میلی نسبت به پذیرش مسئولیت‌های سیاسی، مناصبی را که حافظ اعتبار و شأن سادات بود می‌پذیرفتند. حتی اگر این منصب از سوی حکمرانان جائری، چون سلاطین ایلخانی به آنان اعطا می‌شد. یکی از این فقیهان، رضی‌الدین علی بن طاووس بود که منصب نقابت را تا پایان عمر بر عهده داشت. سید بن طاووس در بیان اهتمامش به تصدی این منصب می‌نویسد:

در این منصب توانستم چند نفر را از مرگ نجات بخشم که این افتخاری

۱. علامه حلی، اجوبه المسائل المهنائیه، ص ۲۰، ۲۱.

است برای من و آن را فراموش نمی‌کنم.^۱

مجدالدین محمد بن طاووس (د. ۵۶۵۶.ق.) دیگر عالم حله است که از سوی هلاکوخان عهده‌دار منصب نقابت سواحل فرات شد.^۲ غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی طاووس (د. ۵۷۰۴.ق.)^۳ و سید قوام‌الدین ابوطاهر احمد بن الحسن بن موسی بن طاووس (د. ۵۶۷۳.ق.)^۴ از دیگر فقهایی بودند که نقابت سادات را عهده دار بودند. نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن قوام‌الدین احمد بن علی بن رضی‌الدین طاووس که فقیهی دیگر از آل طاووس بود پس از پدرش، نقابت سادات حله و سامرا را بر عهده داشت و نقیب النقباء خوانده می‌شد.^۵

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، ج ۳، ص ۹۸.

۲. سید احمد بن موسی ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية، ج ۱، ص ۳۱-۳۴.

۳. فقیه متبحر، ادیب، شاعر، نحوی، عروضی و عالم به علم انساب و علوم مختلف دیگر که ریاست طالبیان را برعهده داشت. او در کربلا به دنیا آمد و در حله رشد یافت و در بغداد تحصیل کرد و در کاظمین از دنیا رفت. منزلش محل حضور علما و بحث و درس بود. از جمله آثارش الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم وفرحة الغری بصرحة الغری است (سید احمد بن موسی بن طاووس، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية، ج ۱، ص ۲۲، ۲۳؛ ابن داود حلی، کتاب الرجال، ص ۱۳۰).

۴. فقیه، محدث، رجالی، ادیب، شاعر و متکلم شهیر امامی است. او نخستین کسی بود که اقسام حدیث را در چهار گروه صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم نمود. بیش از ۸۸ جلد کتاب نوشته است (گروهی از نویسندگان، موسوعة طبقات فقهاء، ج ۷، ص ۳۷، ۳۸).

۵. سید احمد بن موسی بن طاووس، بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية، ص ۳۱-۳۴.

فقه‌های حله پس از سادات، عالمان دینی را اسوه‌های فرهنگی و دینی می‌دانستند و به تعظیم آن‌ها اهتمام ویژه‌ای داشتند. علامه حلی در برخی آثار کلامی خود، علاوه بر آیات و روایات به اقامه ادله عقلی در وجوب پیروی از عالمان می‌پردازد.^۱ او علاوه بر تصریح به این موضوع در آثار خود در قالب‌های دیگری چون وصیت، شاگردان و فرزندان خود را به این مهم توصیه می‌کند و با تکیه بر حدیثی از رسول خدا ﷺ نه تنها بهره‌مندی‌های علمی، بلکه هم‌نشینی با علما را مورد تأکید قرار می‌دهد.^۲

ابن فهد حلی نیز در *المهذب البارع* پیروی از عالمان را پیروی از معصومین علیهم‌السلام و اولیای دینی می‌داند.^۳ او صرف نظر از ارائه براهین قرآنی و روایی در لزوم مراجعه به عالمان دینی برای دست‌یابی به احکام و معارف دینی، تعظیم ایشان را خواست خداوند و یک ضرورت اجتماعی قلمداد می‌کند.^۴ برخلاف آنچه تصور می‌شود، تأکید بر تحصیل علم یا تعظیم جایگاه عالمان، محدود به مردان نبوده است و زنان عالمه نیز مورد ستایش فقهایی، چون سید بن طاووس قرار می‌گرفتند.^۵ به نظر می‌رسد آشکار کردن تعظیم زنان عالمه در آثار مکتوب و مخاطب ساختن ایشان با عناوینی چون فاضله و صالحه^۶ نمی‌تواند بدون ملاحظات فرهنگی بوده باشد؛ زیرا رسوخ یافتن براهین و ادبیات علمی در طبقات مختلف اجتماعی و تا اعماق خانه‌ها، زمینه ساز ظهور نسلی فرهیخته در جوامع خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی
تولید علم انسانی

۱. علامه حلی، *نهایة المرام فی علم الکلام*، ج ۱، ص ۴.

۲. همو، *قواعد الأحکام*، ج ۳، ص ۷۱۴-۷۱۷.

۳. نحل: ۴۳.

۴. ابن فهد حلی، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، ص ۶۰-۶۱.

۵. سید علی بن موسی بن طاووس، *سعد السعود*، ص ۲۶، ۲۷.

۶. همان.

۳. تسهیل مراودات فرهنگی و مذهبی متناسب با شرایط محیطی و اجتماعی

حکومت سلاطین مغول که به ویژه در نسل‌های نخست، شناخت یا اعتقادی به معارف و آموزه‌های اسلامی نداشتند از طرفی و از میان رفتن ساز و کارهای فرهنگی و مذهبی معمول در جوامعی که مغلوب ایشان شده بودند از طرفی دیگر، ضرورت‌هایی را ایجاد می‌نمودند. مهم‌ترین این ضرورت‌ها، تأکید بر آموزه‌ها و باورهای اعتقادی آحاد جامعه بود. هم‌چنین، صیانت از شریعت و احکام اسلامی در مقابل طوفانی از تردیدها و باورهای التقاطی که حکومت سلاطین غیر مسلمان به وجود آورده بودند.

فاضل مقداد با درک این چالش معرفتی، علم کلام را از مهم‌ترین علوم از حیث برهان، موضوع، نیاز و مقدم بر سایر علوم دینی می‌داند.^۱ او نه تنها تحصیل علم کلام، بلکه تکرار و تذکر آن را از ضروریات برای مکلفان می‌داند.^۲ با تکیه بر همین ضرورت، علامه حلی آثار متعددی را در حوزه علم کلام و موضوعات و مسائل اعتقادی نوشت و هدف خود را از نگارش این آثار، منزّه کردن مردم از باورهای غلط و انحرافی و نجات امت اسلامی از ضلالت و گمراهی اعلام کرد.^۳

ضرورت دیگر، تسهیل مراودات فرهنگی و مذهبی بود. فقیهان حله در این راستا چند اقدام مهم را دنبال نمودند:

نخست، نگارش آثار تخصصی و پرهیز از پرداختن به مباحث کلی و عمومی: به عنوان نمونه، علامه حلی رساله‌ای با عنوان رساله مهنائیه را به صورت پاسخ به سؤالات و مطالبات مردم مدینه به نگارش در آورد و از ارجاع ایشان به منابع عمومی در این حوزه خودداری کرد. هم‌چنین، او اثر دیگری را که مشتمل بر مباحث کلامی، فقهی و اخلاقی

۱. فاضل مقداد حلی، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۳، ۳۷.

بود با عنوان رساله سعديه نوشت و به سعدالدین محمد بن علی ساوجی (د. ۵۷۱۱.ق.۰) وزیر اولجایتو اهدا کرد.

دوم، کتابت و استنساخ کتب: از بین رفتن کتاب‌خانه‌های بزرگ و غنی در شهرهای بزرگ و تعطیل شدن دارالعلم‌ها و دارالحکمه‌ها سبب شده بود دسترسی به کتاب‌ها و منابع علمی برای عموم مردم، امری دشوار گردد. با توجه به یافته‌های احمد علی مجید الحلّی به نظر می‌رسد، یکی از توصیه‌های علمای حله و اقداماتی که در مدرسه صاحب الزمان انجام می‌پذیرفت، کتابت و استنساخ کتاب‌ها و منابع مورد نیاز بوده است.^۱

سوم، مختصر نویسی: یکی دیگر از روش‌هایی که دسترسی به محتوای منابع و علاقه عمومی به مطالعه را افزایش می‌داد، کاستن از حجم کتاب‌ها و خودداری از تطویل و طرح مباحث حاشیه‌ای و غیر ضروری بود. از مصادیق رعایت این ملاحظه را می‌توان کتاب رساله سعديه و کتاب مختصر المراسم العلویه نوشته علامه حلّی دانست؛ زیرا او به این موضوع در کتاب خویش تصریح می‌کند.^۲

چهارم، تأسیس مراکز علمی ثابت: یکی دیگر از اقداماتی که مورد توجه فقیهان حله واقع شد، تأسیس مدارس علمی بود. به طوری که فاضل مقداد، بنیان‌گذار یکی از قدیمی‌ترین مدارس علمی در نجف بوده است. مدرسه‌ای که جز نامی از آن باقی نمانده است.^۳ این مدرسه در محله مشراق و روبه‌روی مسجد اصاغه واقع شده بود و تا اواخر قرن دهم، معمور بود.^۴ سید حسن صدر (د. ۱۳۵۴.ق.۰) به نقل از ابن هیکل از شاگردان ابن فهد حلّی می‌نویسد:

۱. احمد علی مجید حلّی، تاریخ مقام الإمام المهدی فی الحلة، ص ۲۹-۴۹.

۲. علامه حلّی، مختصر المراسم العلویه، ص ۱۱۰.

۳. فاضل مقداد حلّی، الأنوار الجلالیة للفصول النصیریة، ص ۵۵.

۴. الخلیلی، المدخل الی موسوعة العتبات المقدسة، ج ۷، ص ۱۲۸.

در سال (۵۶۳۶ق.م) محمد بن جعفر بن هبة الله، مشهور به ابن نمای حلی، مدرسه‌ای را در کنار مشهد صاحب الزمان شهر حله بنا کرده است و گروهی از علما را در آن سکونت داده است.^۱

پنجم، تأسیس مدارس سیار: یکی از ابداعات این دوره، تأسیس مدارس سیار بود. این مدارس که در ملازمت اردوی سلطانی برپا می‌شد دارای خیمه‌های سیار، کتاب، منابع درسی و لوازم آموزشی بود که به دانشمندان و عالمان کمک می‌کرد در شهرهای مختلف، محافل و مجالس علمی و آموزشی خود را برپا نمایند. این مدارس در عهد اولجایتو ابداع شد و علامه حلی مدیریت آن را بر عهده داشت.

برخی از عالمان، علامه حلی را در این مدرسه، همراهی و یاری می‌کردند. سید رضی الدین محمد بن محمد بن زید آوی حسینی، معروف به ابن داعی که از سال ۵۶۳۲ق.م در حله می‌زیست، بیش از پنج سال در فعالیت‌های مدارس سیار مشارکت داشت.^۲ تلاش‌ها و زحمات علامه حلی در این سفرها چنان بود که خواجه رشیدالدین، وزیر شافعی مذهب اولجایتو، علامه را برای تقبل این مجاهدت با القاب سترگی ستوده است.^۳

۴. سوق دادن مناقشات مذهبی به مذاکرات علمی
ستیزه جویانی، چون ابن تیمیه به دلیل خصومت‌های مذهبی، فقهای شیعه به ویژه علامه حلی را مورد سرزنش قرار می‌دادند. ابن تیمیه در اقدامی توهین‌آمیز از او به جای ابن

۱. صدر، تکملة امل الآمل، ج ۴، ص ۴۲۵.

۲. سید علی بن موسی بن طاووس، الموسعة، ص ۳۴۰-۳۴۸.

۳. همدانی، بیان الحقائق، ص ۵۵.

مطهر به ابن منجس تعبیر کرد^۱، اما تلاش فقیهان شیعه برای تعدیل مناقشات مذهبی متوقف نشد. این هدف در حالی دنبال می‌شد که با سقوط خلافت عباسی و برخی تعاملات پراکنده نخبگان شیعی با سلاطین ایلخانی، این امکان فراهم شده بود که اقلیت محروم نگهداشته شده شیعه، فرصت را برای هر اقدام تلافی‌جویانه مغتنم بشمارد. با این حال، فقهای شیعه سعی خود را جهت برقراری تعاملات علمی و حسن معاشرت با سایر فرقه‌های اسلامی به کار بستند. این تلاش‌ها سبب شد برخی از علما و نخبگان اهل سنت، زبان به تحسین و تعظیم جایگاه رفیع علمی فقهای، چون علامه حلی بگشایند. آن چنان که از میان دولت‌مردان، وزرایی چون خواجه رشیدالدین و عطا الملک جوینی و از میان عالمان، افرادی چون ابن کثیر دمشقی، عالم شیعی نجیب‌الدین ابوالقاسم حلی، معروف به ابن عود^۲ را به کان حسن المحاضرة و المعاشرة و لطیف النادرة^۳ و قاضی ناصرالدین بیضاوی، نویسنده تفسیر معروف *انوار التنزیل*، علامه حلی را با عنوان امام المجتهدین^۴ و نظام‌الدین عبدالملک مراغی از بزرگان شافعیان، علامه حلی را به سلامت دین یاد کردند.^۵

برقراری احترام متقابل در مناسبات علمی و گستردگی مناظرات علمی فقهای، چون علامه حلی با طیف وسیعی از عالمان اهل سنت، همگی شاهدی بر رویکرد وی در سوق دادن مناقشات مذهبی به سوی مذاکرات علمی است. در عصر ایلخانی با وجود حکومت

۱. صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۳، ص ۸۵.

۲. ابن عود (۶۷۵-۵۸۱ ه.ق.) شاعر، فقیه، عالم، عابد و متعهد شیعی (ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۱۳، ص ۳۳۵).

۳. همان.

۴. افندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵. شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ص ۵۷۱.

سلاطین غیر مسلمان به نظر می‌رسد در راستای چنین تلاش‌هایی، مناقشات مذهبی در سطح کمتری در مقایسه با مقاطع پایانی خلافت عباسی بوده است.

علامه حلی در طول عمر علمی خود با بزرگانی چون قاضی ناصرالدین بیضاوی، قاضی عضدالدین ایجی نویسنده *مواقف*، محمود بن محمود آملی نویسنده *نفائس الفنون*، ملابدرالدین شوشتری، ملاعزالدین ایجی، سید برهان‌الدین عبیری و دیگران مناظره کرد.^۱ این مناظرات از سوی سید بن طاووس نیز دنبال می‌شد. او در یکی از مناظرات خویش با علمای زیدیه که در مرقد امام موسی بن جعفر علیه السلام در کاظمیه بغداد برگزار شد، توانست علاوه بر دفاع از باورهای شیعیان اثناعشری عالم زیدی را به مذهب امامیه مشرف سازد. ابن طاووس این مناظره را در *کشف المحجّة لثمرّة المهجّة* شرح می‌دهد.^۲

بر اساس برخی از منابع، این مناظرات عامل اصلی گرایش اولجایتو به مذهب تشیع بوده است. گرایشی که منجر به شیعه شدن جمعی از دولت‌مردان مغول و رواج آموزه‌های شیعی در قلمروی سیاسی اولجایتو شد. به دستور اولجایتو، خطبه و ضرب سکه بر اساس شعائر شیعی تغییر یافت. ابن کثیر تصریح می‌کند اولجایتو که پس از اظهار ایمان، سلطان محمد خدابنده خوانده می‌شد تا آخر عمر بر مذهب تشیع پایدار ماند.^۳

۵. توجه به خصایص فرهنگی مخاطبان در صدور فتوا

علامه حلی به عنوان یکی از فقهای شاخص حله، توجه خاصی نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف مبذول می‌داشت. او علاوه بر پشتیبانی علمی از علما و نخبگان فرهنگی و مذهبی مناطق مختلف، تلاش می‌کرد با اقداماتی چون نام‌گذاری آثارش به نام

۱. دوانی، *مفاخر اسلام*، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲. سید علی بن موسی بن طاووس، *کشف المحجّة لثمرّة المهجّة*، ص ۸۴، ۸۵.

۳. ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۱۴، ص ۷۷.

این دسته از نخبگان^۱، جایگاه و سازمان فرهنگی مناطق را محترم شمارد. علامه نه تنها بافت و ساختار فرهنگی و مذهبی مناطق مختلف محترم می‌شمرد، بلکه هر شهر و منطقه‌ای را دارای عرف و فرهنگی عمومی متمایز می‌دانست و توجه به آن را برای عالمان و فقیهان ضروری بر می‌شمرد. او معتقد بود:

شکی نیست که هر شهری عرف خاصی دارد. پس اطلاق خطاب به آن منصرف می‌گردد و قضیه این است که اگر بین شهرها اختلاف باشد، هر شهری حکم خودش را دارد. همچنان که در تذکرة و نهایة الاحکام به آن صراحت شده است.^۲

منطق علامه حلی در دخالت عرف و فرهنگ عمومی شهرها در احکام و تکالیف الهی به مباحث پیش گفته ختم نمی‌شود و او در مقام اثبات این تأثیرگذاری در صدور فتوا به فلسفه احکام و مصالح غایی استدلال می‌نمود. به عنوان نمونه، وی در کشف المراد می‌نویسد:

احکام دایر مدار مصالح هستند و مصالح نیز با تغییر زمان متغیر و با اختلاف مکلفان مختلف می‌شوند. بنابراین ممکن است، حکم معینی در زمانی برای قومی مصلحت داشته باشد که در این صورت مأمور به خواهد بود و در زمانی دیگر، برای قومی دیگر مفسده داشته باشد که در این صورت منهی عنه خواهد بود.^۳

۱. علامه حلی در پاسخ به سؤالات یکی از بزرگان مدینه به نام مهنا بن سنان بن عبدالوهاب الحسینی (د. ۷۵۴ ه. ق.) رساله‌ای را به نام اجوبة المسائل المهناية نوشت.
۲. علامه حلی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۱۳، ص ۳۶.
۳. همو، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۴۴.

به جز علامه، محقق حلی نیز به اعتبار و ضرورت ملاحظه عرف منطقه‌ای در ضمن یک بیان فقهی می‌نویسد:

این‌که ما به طور حتمی، نظر شریعت را (در این حکم) این‌گونه بدانیم که در عصر پیامبر (این حکم) براساس کیل کردن و وزن کردن بنا شده بود، ثابت نشده است و اگر ما جهل به این ثبوت داریم، این حکم به عادت هر شهر ارجاع داده می‌شود. هرچند این عادت در هر شهری متفاوت باشد، هر شهر حکم خودش را دارد.^۱

۶. استفاده از قالب‌ها و ابزارهای فرهنگی در توسعه معارف دینی

زیارت از مفاهیمی است که نمی‌توان آن را در تعریفی عبادی با حواشی و ثمرات تکلیفی و اخروی محدود کرد. زیارت علاوه بر ثمرات معنوی، تحصیل ثواب و رضایت خداوند، نقش بسیار مؤثری در انسجام فرهنگی و اجتماعی جوامع دارد و به صورت قهری، عامل الگوساز در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی افراد است. این موضوع در فرهنگ شیعی که صراط مستقیم را در ولایت‌پذیری و پیروی از ائمه علیهم‌السلام و اولیای دینی می‌جوید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سید رضی‌الدین علی بن طاووس (د. ۶۶۴ ه.ق.) در مقدمه یکی از آثارش درباره مقتل امام حسین علیه‌السلام با عنوان *اللّهوف یا الملهوف علی قتلی الطفوف* درباره هدف و انگیزه خود از نگارش این کتاب می‌نویسد:

با توجه به این‌که زائران فرصت کم دارند، رشته سخن را کوتاه نموده و به طور اختصار بیان کرده‌ام و همین اندازه کافی است که درهای اندوه به امر

۱. محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۳۹.

خواننده باز شود و افراد با ایمان را رستگار سازد و در قالب این الفاظ، حقایق

ارزنده‌ای نهاده‌ایم.^۱

توجه به تولید منابعی قابل خلاصه، جذاب و قابل استفاده برای عموم مردم، گام مؤثری در پربار نمودن بهره‌های مادی و معنوی زیارت است. به ویژه این که زیارت امام حسین علیه السلام از دیرباز، عنصر شکل دهنده اندیشه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معرفتی جوامع مختلف شیعه و حتی اهل سنت بوده است. جعفر بن محمد، معروف به ابن نمای حلی (د. ۵۶۸۰.ق.) کتابی را با عنوان *مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان* در بیان مصایب عاشورا نوشته است. وی نیز هدف خود از نگارش این کتاب را جلب نظر خوانندگان و سهولت در استفاده مطالب بیان می‌کند و در این باره می‌نویسد:

چون بعضی از کتب مقاتل بسیار طولانی بودند و در مقابل بعضی بسیار

مختصر، این کتاب را که حد وسطی از کتاب دیگر است، نوشتم.^۲

البته، اهداف او در نگارش این کتاب به ایجاد اعتدال و توازن در حجم و محتوا محدود نمانده است. او در ادامه، نگارش چنین آثاری را مقدمه و بستر ساز ترویج شعائر و نشانه‌های فرهنگ مذهبی می‌داند و خوانندگان را به نقش آفرینی در این حوزه دعوت می‌کند و می‌نویسد:

پس ای شنوندگان! اگر از شرافت یاری (امام حسین در صحنه عاشورا) و از

مقابله با لشکر دشمن محروم شدید از گریه بر این سروران و بزرگان خاندان

پیامبر و پوشیدن لباس عزا و غم که محروم نشدید و از میل به مکافات روز

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، *اللهموف علی قتلی الطفوف*، ص ۲۹.

۲. ابن نما حلی، *مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان*، ص ۱۵.

آخرت و فزونی سهم ثوابمان که محروم نشدید.^۱

به نظر می‌رسد چنین روش و انگیزه‌ای سبب شده است تا گزارش‌هایی در مقتل نویسی این دو نویسنده یافت شود که فاقد پیشینه در منابع قبلی است. با این توضیح که با توجه به سال فوت ابن نما بعید نیست که او در سبک و محتوای برخی گزارش‌ها از لهوف سید بن طاووس اقتباس نموده باشد.

توجه و بهره‌مندی فقیهان حله از قالب‌های فرهنگی را می‌توان در ابداع آیین‌ها و سنت‌هایی با اهداف مذهبی جست‌وجو کرد. به عنوان نمونه، سید بن طاووس از نخستین افرادی است که با وجود جایگاه علمی و معنوی خویش، روزهایی را به عنوان روز جشن و شادی تعیین نمود. مناسبت‌هایی که دارای اهداف مذهبی بودند، اما نمی‌توان آیه یا روایتی را دال بر آن‌ها یافت. یکی از مصادیق این امر، برپایی جشن و مراسم شادی به مناسبت رسیدن پسران به سن تکلیف است. او چنین روزی را عید و خود را نخستین بنیان‌گذار این جشن می‌داند و در این باره می‌نویسد:

یکی از چیزهایی که خداوند جل جلاله مرا بدان رهنمون شد و تاکنون کسی را نیافته‌ام که در این باره با من سخنی بگوید، تعظیم و بزرگ‌داشت زمان تشریف به تکلیف و فضایل مرتبط با آن است.^۲

او که چنین ابداعی را از الطاف خداوند برمی‌شمرد در مرحله عمل نیز، این جشن را در قالب ضیافتی با حضور اعضای خانواده برای فرزندش، محمد در تاریخ پنجشنبه نهم محرم سال ۶۵۹ق در نجف برگزار کرد. او بر اساس نظر فقهی خود مبنی بر معیار زمانی برای تعیین سن تکلیف، پیش از این مراسم از منجم خبره‌ای برای تعیین روز و ساعت

۱. همان.

۲. سید علی بن موسی بن طاووس، رساله التشریف، ص ۳۰۵.

دقیق به تکلیف رسیدن فرزندش دعوت به عمل آورده بود. سید بن طاووس از باب زمینه‌سازی برای چنین جشنی، مدتی قبل تعهد کرده بود که در صورتی که فرزندش، سن تکلیف را درک کند، مبلغ ۱۵۰ دینار صدقه دهد.^۱

هم‌چنین، او برای توسعه دادن چنین آیینی، برگزاری جشن تکلیف را مختص به پسران نمی‌دانست و جشن مشابهی را برای دخترش برگزار نمود^۲ تا علاوه بر اهمیت دادن به این آیین، برخی از تبعیض‌های جنسیتی موجود در حوزه تربیت و خانواده را مرتفع نماید. نگارش کتابی مستقل با عنوان التشریف بتعیین وقت التکلیف که به همین مناسبت نوشته شده است، دلیلی دیگر بر اهتمام سید بن طاووس نسبت به نهادینه شدن این رویکرد فرهنگی دانسته می‌شود. او در سرزنش کوتاهی مردم در بزرگ‌داشت این جشن می‌نویسد:

پس چرا برای آدمیان روز تشریف به تکلیف بی‌اهمیت و حقیر واقع شده است که حتی نام آن هم مجهول و ذکر آن در میان مکلفین متروک است. من تا به حال ندیده‌ام کسی برای این روز بزرگ مهیا شده باشد و به ادای حق مهم آن اهتمام نموده باشد و آنچه از تعظیم و تجلیل برای خداوند جل‌جلاله واجب و لازم است مراعات نموده باشد و یا این‌که بر فوت آن تأسف خورده باشد. گویا روزی نیست که خداوند از آن سؤال نماید.^۳

یکی دیگر از قالب‌های مورد استفاده فقیهان در حوزه انتقال معارف دینی و مذهبی، نگارش کتاب‌هایی به صورت روایت‌هایی است که دارای حقیقت بیرونی نبودند و در قالب

۱. همو، کشف المحجّة لثمره المهجّة، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. همان، ص ۳۰۴، ۳۰۵.

داستان انتشار می‌یافتند. این روایت‌ها دارای شخصیت‌ها و رخداد‌های واقعی نبودند، اما محتواهای خطیر فکری و اعتقادی را دنبال می‌نمودند. سید بن طاووس در کتابی با عنوان *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، شخصیتی غیر مسلمان را تصویر می‌کند که در قالب گفت‌وگو و مناظره با عالمان و رهبران فرقه‌های مختلف اسلامی در پی یافتن حقیقت است.

به عنوان نمونه، او از قول این فرد غیر مسلمان، این ایراد را مطرح می‌سازد که کدامیک از رؤسای مذاهب پیامبر اسلام را درک کرده‌اند؟ آیا آنان از تابعین هستند و یا از آنان، حدیث و روایت شنیده‌اند؟ وقتی این فرد، جواب نفی می‌شنود، با طرح آیه *الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ* می‌گوید: پس اگر دین پیامبر ﷺ در زمان حیاتش کامل شده است، پس این اختلاف عظیم بعد از وفات او برای چیست؟^۱

۷. تأکید بر اخلاق به عنوان زیربنای فرهنگ اسلامی

سید بن طاووس در بخشی از وصیت‌نامه خویش، جامعه عصر خود را به دلیل ظهور رذایل و مفساد اخلاقی، همانند عصر جاهلی توصیف می‌کند و درباره شرایط اخلاقی عصر خویش می‌نویسد:

اگر از سر راستی و ادای امانت به این کار (عمل به معروف و ترک منکر) پردازم به یقین همه دشمن تو گردند و تو به جای یاد خدا به دشمنی با مردم مشغول گردی.^۲

از دیدگاه بسیاری از پژوهش‌گران عصر ایلخانی، انحطاط فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی از ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود؛ زیرا استیلای مغولان، استبداد شحنگان و

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ص ۱، ۲.

۲. همو، *كشف المحجة لثمره المهجة*، ص ۱۰۱.

ستمگری امرا موجب شده بود، اصول و فضایل اخلاقی مهجور ماند.^۱ از سویی دیگر، تظاهر به تقوا و زهد از سوی شاعرانی، چون حافظ نقد می‌گردید، اما موجب شده بود جویندگان تقوا و پارسایی مایوس گردند و علم، تقوا، عدالت، ایثار، صداقت و سخاوت سیری قهقرایی را تجربه نماید.

شاید به همین دلیل بود که زهد، تقوا و پارسایی بیش از پیش، مورد تأکید فقها و عالمان دینی این دوره قرار می‌گرفت. به طوری که علامه حلی با اوصافی چون المؤید بالنفس القدسیة و الاخلاق النبویة^۲، کان من ازهد الناس و أتقاهم^۳ شناخته می‌شد و حتی بزرگانی از اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی^۴ و صفدی^۵، علامه را به حسن خلق می‌شناختند. این که علامه حلی، استادان خود هم‌چون سید جمال‌الدین احمد بن طاووس را در کنار علم و دانایی به تقوا و اخلاق نیکو می‌ستود^۶، حکایت‌گر اهتمام ویژه فقهای حله به زهد و پارسایی است. هم‌چنین، حسن بن علی حلی یکی دیگر از فقهای حله در توصیف استادش، یحیی بن سعید حلی (د. ۵۶۹۰.ق.) می‌نویسد:

شیخ و استاد ما علامه یحیی بن سعید، اسوه ورع و تقوا، جامع علوم و فنون،

پرهیزگارترین فضلا و زاهدترین ایشان بود.

۱. باقری و مسعودی، «تحلیل بسامدی نقد اجتماعی در آثار عبیدزاکانی»، فصلنامه پژوهش‌های

ادبی، ش ۳۱، ۳۲.

۲. فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۱۰.

۳. افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۳۵۹-۳۶۵.

۴. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ص ۳۸۶.

۵. صفدی، اعیان العصر و اعوان النصر، ج ۲، ص ۲۹۳؛ همو، الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۵۴.

۶. گروهی از نویسندگان، موسوعة طبقات الفقها، ج ۷، ص ۳۸.

۸. مسئولیت پذیری فرهنگی با وجود پرهیز از فرصت طلبی‌های سیاسی

از آن جا که از منظر شیعیان هم خلافت عباسی و هم سلطنت ایلخانان مغول، فاقد مشروعیت بود، بیشتر فقیهان و نخبگان شیعی از همکاری و پذیرش مناصب دولتی، مگر در موارد خاص اجتناب می‌نمودند. این کناره‌گیری در مواردی به معنای تخطی از فرمان و به چالش کشیدن مشروعیت حاکمان دانسته می‌شد و برای ایشان هزینه‌ساز بود. با این وجود، عالمان تا حد ممکن، خود را از انتخاب شدن، کنار می‌کشیدند و در صورت انتخاب شدن با عذر آوردن و یا به صراحت از پذیرفتن مناصب خودداری می‌نمودند. به عنوان نمونه، سید علی بن طاووس در وصیت نامه خویش در این باره می‌نویسد:

پس اول دامی که شیطان گسترد که میان من و خداوند صاحب رحمت و احسان جل جلاله جدایی اندازد، این بود که مستنصر خلیفه جزاه الله عنا خیر الجزاء از من تقاضا کرد که بر طبق دستور و عادت خلفاء متصدی امر فتوی گردم... ای فرزندم محمد! اگر من در آن روز با ایشان موافقت کرده بودم و در امر فتوی دنیوی، و قواعد باطله ایشان و بازی‌های اهل دنیا با آنان همراهی کرده بودم هرآینه برای همیشه هلاک شده بودم و همانا مرا در آنچه میان من و پروردگار عالمیان جدایی می‌انداخت وارد نموده بودند.^۱

این رویکرد، اختصاص به فقیهان شیعه حله نداشت و رویکردی مستمر در میان عالمان شیعه بود. به طوری که کناره‌گیری ابن میثم بحرانی (د. ۹۹ق)^۲ از مجالست و

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، کشف المحجّة لثمره المهجّة، ص ۱۱۴.

۲. کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، محدث، فقیه و متکلم مشهور شیعی است. از زندگی او، آگاهی اندکی در دست است. احتمال می‌رود در عراق و در مراکز تجمع شیعیان، مانند حله به تحصیل علم پرداخته است، اما پس از آن به بحرین بازگشته است و گوشه عزلت برگزیده است. ←

مشارکت در محافل بزرگان سیاسی و اجتماعی سبب شده بود عوام شیعه، او را سرزنش کنند.^۱ با وجود این نمی‌توان عالمان شیعه را بی‌توجه به مسئولیت‌های اجتماعی در حوزه فرهنگ و دانش دانست؛ زیرا از دیر باز و مبتنی بر نصوص دینی، هدایت مادی و معنوی جامعه بر عهده فقیهان جامع شرایط نهاده شده بود و عهدی بود که خداوند بر ایشان نهاده بود.^۲

علامه حلی در رساله سعدیه ارشاد مردم به دست عالمان را از واجباتی می‌داند که کتمان آن، دوری از رحمت خداوند را به دنبال خواهد داشت.^۳ شاید همین عقیده، او را وا داشته بود که در بارگاه سلاطین حضور یابد و با وجود پای‌بندی بر اصل دنیاگریزی، رسالت مادی و معنوی خود را در برابر جامعه و امت به انجام رساند. علامه حلی در کمال رعایت تقوا و پارسایی توانست اولجایتو را به مسیر هدایت رهنمون شود و به واسطه او، نور هدایت را در پهنای قلمروی ایلخانی متبلور سازد. ابن بطوطه پس از تصریح به نقش علامه حلی در تشیع اولجایتو می‌نویسد:

دانشمندان عراق، به خصوص اهل حله، او را مردی دانشمند می‌شمردند و از او خواستند که به تربیت شاگردان، تألیف و تصنیف پردازد. او با خواجه نصیرالدین طوسی، معاصر بود و به اعتقاد برخی، او نزد خواجه، فقه و خواجه نزد او، کلام را فراگرفته است. حدود سی اثر به این میثم نسبت داده شده است (افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ج ۵، ص ۲۲۷؛ ماحوزی، السلافة البهية فی الترجمة المیشمیة، ج ۱، ص ۴۳، ۴۴، ۴۷؛ خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۶، ص ۳۰۲، ج ۷، ص ۲۱۶).

۱. ماحوزی، السلافة البهية فی الترجمة المیشمیة، ج ۱، ص ۴۲-۴۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۴؛ حرعاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۳. علامه حلی، رساله سعدیه، ص ۷.

پادشاه دستور داد مردم را به تشیع وادارند ودر این باب به عراق عرب و

عجم، فارس، آذربایجان، اصفهان و کرمان نامه نوشت.^۱

علامه حلی در کتاب *المعتبر فی شرح المختصر* به رسالت اجتماعی علما در مواجهه با انحطاط و چالش‌های فرهنگی و مذهبی تصریح می‌کند و می‌نویسد:

فقیهان بر تحقیق تکیه می‌کنند و به نقل و بیان محکم استناد می‌ورزند و برگمان چیزی را نمی‌گویند. آنچه را درباره خدا نمی‌دانند نمی‌گویند و به وهم فتوا نمی‌دهند و توهم و گمان را خوش ندارند، وقتی که بدعت زیاد گردد و هر گروهی خود را در رأس امر ببیند در بدعتش به او اقتدا می‌شود. در این زمان بر اهل حق است که آنچه را می‌دانند نشر دهند و آنچه را کتمان می‌کردند آشکار کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: *إذا ظهرت البدع فی امتی، فلیظهر العالم علمه، فمن یفعل فعلیه لعنة الله.*^۲

هم‌چنین، او عالمانی را که از رسالت‌های اجتماعی و فرهنگی خود سرباز می‌زنند مورد لعن خداوند توصیف می‌نماید.^۳ یکی دیگر از فقیهان حلی فاضل مقداد حلی است که او نیز مانند علامه با اذعان به منزله ساختن ساحت دین و فقیهان از جاه طلبی و دنیا خواهی معتقد است و در این باره می‌نویسد:

دین و حکومت دو همزاد و همراهند که یکی را بدون دیگری، فایده‌ای نخواهد بود. مقتضای حکمت آن است که این دو در یک تن فراهم آیند و گرنه اگر عالم مجتهد از حضور و آگاهی بر زمان و حاکمیت و ارائه فکر و نظر برای

۱. ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه تحفه النظار فی غرائب الامصار*، ج ۲، ص ۳۸.

۲. محقق حلی، *المعتبر فی شرح المختصر*، ص ۱۹.

۳. علامه حلی، *رساله سعديه*، ص ۷.

هدایت اجتماع جدا شود، تقض غرض لازم می‌آید.^۱

با توجه به همین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگی است که سید بن طاووس با وجود تصریح بر مدد الهی در خودداری از پذیرش منصب فتوا، خدا را به دلیل منصب نقابت شکر می‌گوید و در این باره و می‌نویسد:

در این منصب توانستم چند نفر را از مرگ نجات بخشم که این افتخاری

است برای من و آن را فراموش نمی‌کنم.^۲

به جز وی مجدالدین محمد بن طاووس (د. ۶۵۶ق)^۳، غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی طاووس (د. ۷۰۴ق)^۴، سید قوام‌الدین ابوطاهر احمد بن حسن بن موسی بن طاووس^۵ و نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن قوام‌الدین احمد بن علی بن رضی‌الدین طاووس^۶ همگی از فقیهان حله و کسانی هستند که عهده‌دار منصب نقابت سادات بودند.

۱. فاضل مقداد حلی، اللوامع الالهية فی المباحث الکلامية، ص ۳۲۷.

۲. سید علی بن موسی بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، ج ۳، ص ۹۸.

۳. سید احمد بن موسی ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية فی تقض الرسالة العثمانية، ج ۱، ص ۳۱-۳۴.

۴. فقیه، ادیب، شاعر، نحوی، عروضی و عالم به علم انساب و علوم مختلف دیگر که ریاست طالبیان را برعهده داشت. در کربلا به دنیا آمد، در حله رشد یافت، در بغداد تحصیل کرد و در کاظمین از دنیا رفت. از جمله آثارش الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم و فرحة الغری بصرحة الغری است (سید احمد بن موسی ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية فی تقض الرسالة العثمانية، ج ۱، ص ۲۲، ۲۳؛ ابن داود حلی، کتاب الرجال، ص ۱۳۰).

۵. ابن فوطی الشیبانی، مجمع الاداب و معجم الالقاب، ج ۷، ص ۷۵۷.

۶. سید احمد بن موسی ابن طاووس، بناء المقالة الفاطمية فی تقض الرسالة العثمانية، ص ۳۱-۳۴.

۹. پرهیز از قرائت‌های منفعلانه و تأکید بر شریعت به عنوان عامل قوام بخش فرهنگ اسلامی

به نظر می‌رسد با وجود باور برخی به نقش سازنده تصوف در تسکین دردهای جانکاهی که به واسطه حمله مغولان بر پیکر جهان اسلام نشست، نباید از این نکته غفلت نمود که تصوف با تمامی امتیازاتش، نقش مؤثری در انفعال و کناره‌گیری جامعه از وظایف فردی و اجتماعی در صیانت از هویت فرهنگی، تمدنی و معرفتی ایفا نموده است. رونق یافتن جریان‌های متنوع و متعدد صوفیانه در این دوره سبب شده بود کرامت‌ها و عجایب ظاهری جای‌گزین براهین و استدلال‌های دینی در بازتولید و نشر معارف دینی گردد.

ادبیات صوفیان در به ظهور رساندن اعمال خارق‌العاده مورد فهم و پسند خوانین مغول بود و پیوندی ناگسستنی را بین ایشان برقرار می‌ساخت.^۱ صوفیان علاوه بر عوام مردم، شاهان و سلاطین مغول را نیز با این گونه تظاهرها و اعمال خارق‌العاده می‌فریفتند.^۲ به اعتقاد برخی، مغولان به دلیل خاستگاه فکری خویش، گفتمان‌ها و شکل رمزآلود از اسلام را در قالب تصوف می‌پسندیدند. چهره‌های صوفی به جهت شباهت به تفکر شمنی، جذابیت بیشتری برای مغولان داشتند و از سوی آنان مورد احترام و عزت قرار می‌گرفتند و کارهای عجیب و غریب آنان، مورد استقبال مغولان قرار می‌گرفت.^۳

به نظر می‌رسد، مغولان انتظار داشتند با رواج تصوف، جامعه به ذکر و اوراد مشغول شود و از مطالبات دنیایی خود دست بردارد و به سلطه مغولان تن دهد. ابن تیمیه در این خصوص معتقد است:

ظهور احمدیان یا صوفیه رفاعی و تضعیف مستقیم نیروی بازدارنده دینی

۱. اسماعیل بن علی بن محمود الشافعی، *المختصر فی تاریخ البشر*، ج ۴، ص ۲۳.

۲. الشیبی، *التشیع والتصوف (تا آغاز سده دوازدهم هجری)*، ص ۸۳.

۳. مورگان، *ایران در قرون وسطی*، ص ۹۹، ۱۰۰.

وابسته به شرع و هراسانیدن مردم و واداشتن آنان به سستی، تنبلی و تسلیم‌طلبی از سوی ایشان بزرگ‌ترین عامل غلبه مغولان بوده است.^۱

منافع مشترک سبب شده بود که سلاطین، فرمانروایان و وزرای غیر مغول دربار با وجود برخی خصومت‌های اولیه که منجر به کشته شدن مشایخی، چون نجم‌الدین کبری شده بود در مقاطع بعدی، مناسبات خوبی را برقرار سازند.^۲ در این دوره، صرف نظر از اتهام برخی فقها به گرایش‌های صوفیانه که به نظر می‌رسد به دلیل رفتارهای زاهدانه بوده است، عالمان شیعی به ویژه فقیهان حله، تلاش زیادی را در نگارش و نشر منابع فقهی نمودند.

آثار متعدد علامه حلی،^۳ محقق حلی،^۴ سید علی بن طاووس،^۵ غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی طاووس،^۶ ابن نمای حلی و دیگران در حوزه کلام، فقه، حدیث و

۱. ابن تیمیه، مجموعه الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. مرتضوی، مسایل عصر ایلخانان، ص ۳۱۱.

۳. برخی از آثار وی عبارت است از: الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه، استقصاء النظر فی القضاء و القدر، اجوبه المسائل المهناثیه، نهایه المرام فی علم الکلام، قواعد الاحکام، مختصر المراسم العلویه.

۴. برخی از آثار وی عبارت است از: شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، المعتبر فی شرح المختصر.

۵. برخی از آثار وی عبارت است از: الاقبال بالاعمال، فلاح السائل، مصباح الزائر و جناح المسافر، مهج الدعوات و منهج العنايات، اللهوف فی قتلی الطفوف، کشف المحجّه لثمره المهجه.

۶. برخی از آثار وی عبارت است از: بشری المحققین، مجلدات فی الفقه، الملاذ فی الفقه، الکُسر،

الفوائد العده فی أصول الفقه، الثاقب المسخر علی نقض المشجر فی أصول الدین، بناء المقالة

الفاطمیه فی نقض الرساله العثمانیه المسائل فی أصول الدین، عین العبره فی غبن العنتره، زهرة

الریاض فی المواعظ، عمل الیوم واللیله، الأزهار فی شرح لامیه مهیار، شواهد القرآن، ایمان أبی

طالب، و حلّ الإشکال فی معرفه الرجال.

اخلاق و تأسیس مدارس علمیه همگی حکایت‌گر تلاش ایشان برای ایجاد سدی در مقابل شریعت‌گریزی برخی از جریان‌های صوفیانه است. تأکید و اصرار افراط‌گونه سید بن طاووس در برگزاری جشن تکلیف برای دختران و پسرانی که به سن تکلیف می‌رسیدند، یادآوری اهمیت و ضرورت انجام فروع فقهی و شریعت اسلامی و تشویق به اهتمام به زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام به جای مشایخ و اقطاب یا حفظ قرآن به جای اذکار و اوراد صوفیه از مهم‌ترین نمونه‌های این امر است. هم‌چنین، حفظ قرآن از سنت‌های معمول در بیوت و فرزندان برخی فقیهان حله بوده است. سید بن طاووس در اهمیت این سنت در میان فرزندانش می‌نویسد:

مصحف مبارکی را برای دخترم شرف‌الأشراف که قرآن را در دوازده سالگی حفظ نمود، وقف کردم. هم‌چنین، قرآن دیگری را برای دختر دیگر خود فاطمه که خداوند او را سلامت بدارد، وقف نمودم. او قرآن را قبل از نه سالگی حفظ کرده است.^۱

۱۰. نتیجه

با مروری اجمالی به تدابیر، مواضع، اقدامات و آثار بر جای مانده از فقیهان شیعه حوزه حله در سده هفتم هجری قمری که با سقوط خلافت عباسی و سلطه ایلخانان مغول هم‌زمان بوده است به نظر می‌رسد، صیانت از هویت و میراث فرهنگی و استفاده از بسترها و قالب‌های فرهنگی در عرصه ترویج فرهنگی اسلامی و مذهبی مورد توجه فقیهان بوده است.

ایشان علاوه بر الگوسازی و صیانت از عناصر هویت بخش فرهنگی، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر را برای سهولت در مراودات فرهنگی به کار می‌بستند و تلاش می‌کردند

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، سعد السعود، ص ۲۶.

مناقشات مذهبی را که تا پیش از سقوط خلافت عباسی، توان و ظرفیت جامعه اسلامی را به خود مشغول داشته بود تا حدود قابل توجهی با فرهنگ‌سازی به سوی مذاکرات علمی و مذهبی سوق دهند.

فقیهان در این دوره بیش از پیش به امتیازات و خصایص فرهنگی اقوام و جوامع دقت می‌کردند و با استفاده از قالب‌ها و بسترهای فرهنگی، هم‌چون برگزاری جشن یا داستان نامه‌ها به ترویج مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی و مذهبی می‌پرداختند. ایشان با وجود پافشاری بر اندیشه سیاسی شیعه مبنی بر فقدان مشروعیت خلافت عباسی یا سلطنت ایلخانان مغول از مسئولیت‌ها و رسالت‌های فرهنگی و مذهبی خود غفلت نکردند و با تصدی مناصبی در این حوزه از هویت و عناصر فرهنگ اسلامی تا حد توان صیانت کردند و با گفتمان‌های التقاطی که ترویج دهنده انفعال در حوزه فرهنگ اسلامی و مذهبی بودند، مواجهه نمودند.

منابع

۱. ابن بطوطه، رحلة ابن بطوطه تحفة النظار فی غرائب الامصار، تحقیق عبدالهادی تازی، مغرب: مطبوعات آکادیمیہ المملکہ الغریبہ، بی تا.
۲. ابن تیمیہ، ابوالعباس تقی الدین احمد بن عبدالحلیم الحرانی، مجموعہ الرسائل و المسائل، تحقیق محمد رشیدرضا، القاہرہ: بی جا، ۱۳۴۹ھ.ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ھ.ق.
۴. ابن داوود حلّی، الحسن بن علی، کتاب الرجال، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، قم: نشر شریف رضی، بی تا.
۵. ابن طاووس، سید احمد بن موسی، بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية، تحقیق سید علی عدنانی غریفی، قم: نشر مؤسسه آل البيت علیہم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۱ھ.ق.
۶. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنة فیما يعمل مرة فی السنة، تصحیح محمد جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۷. _____، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمہ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، تهرآن: نشر نوید اسلام، ۱۳۷۸.
۸. _____، الموسعة، قم: نشر دلیل ما، بی تا.
۹. _____، رسالة التشریف، ترجمہ محمد باقر شہیدی گلپایگانی، تهرآن: مکتبۃ المرتضویة، ۱۳۸۲ھ.ق.
۱۰. _____، سعد السعود، چاپ دوم، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، بی تا.
۱۱. _____، کشف المحجّة لثمرۃ المهجّة، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ھ.ق.
۱۲. _____، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: نشر خیام، ۱۳۹۹ھ.ق.
۱۳. ابن فوطی الشیبانی، مجمع الادب و معجم الالتفاب، تحقیق محمد الکاظم، تهرآن: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ، بی تا.

۱۴. ابن فهد حلی، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، تصحیح مجتبی عراقی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۱۵. ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۶. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، *مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان*، قم: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۷. اسماعیل بن علی بن محمود الشافعی، *ابو الفداء، المختصر فی تاریخ البشر*، اسطنبول: بی‌نا، بی‌تا.
۱۸. افندی اصفهانی، عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، به اهتمام مرعشی، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۳۱ ه.ق.
۱۹. باقری، بهادر و مسعودی، صدیقه، «تحلیل بسامدی نقد اجتماعی در آثار عبید زاکانی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی، بهار و تابستان ۱۳۹۰*، شماره ۳۲.
۲۰. حر عاملی، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۱. حلی، احمد علی مجید، *تاریخ مقام الإمام المهدی فی الحلة*، قم: دلیل ما، بی‌تا.
۲۲. الخلیلی، جعفر، *المدخل الی موسوعة العتبات المقدسة*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۳. خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۰.
۲۴. دوانی، علی، *مفاخر اسلام*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲۵. شوشتری، نورالله بن شرف‌الدین، *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۶. الشیبی، مصطفی‌الکامل، *التشیع و التصوف (تا آغاز سده دوازدهم هجری)*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران: امیرکبیر، بی‌تا.
۲۷. صدر، سیدحسن، *تکملة امل الآمل*، تحقیق حسین علی محفوظ و عبدالکریم الدبّاغ و عدنان الدبّاغ، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۹ ه.ق.

۲۸. صفدی، خلیل بن ایبک، *اعیان العصر و اعوان النصر*، بیروت: دار الکتب العلمیه، نشر محمد علی بیضون، ۱۴۳۰ه.ق.
۲۹. _____، *الوافی بالوفیات*، بیروت: دارالنشر فراینزشتاینر، ۱۳۸۱ه.ق.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، *اجوبه المسائل المهنائیه*، تهران: نشر خیام، ۱۴۰۱ه.ق.
۳۱. _____، *رسالة سعديّة، تصحيح علی اوجبی*، ترجمه سلطان حسین واعظ استرآبادی، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۳۲. _____، *كشف المراد فی شرح تجريد الاعتقاد*، مشهد: کتاب فروشی جعفری، بی تا.
۳۳. _____، *مختصر المراسم العلویة*، تحقیق احمد مجید الحلّی، حله: نشر دار الکفیل - مرکز تراث الحله، بخش امور معارف اسلامی و انسانی، ۲۰۱۶م.
۳۴. _____، *نهاية المرام فی علم الکلام*، تحت نظارت محمد جعفر سبحانی، قم: نشر مؤسسه الامام الصادق، بی تا.
۳۵. _____، *نهج الحق و كشف الصدق*، تحقیق عین الله الحسنی الارموی، قم: نشر دار الهجرة، ۱۴۰۰ه.ق.
۳۶. _____، *قواعد الأحكام*، قم: مؤسسه نشر الإسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۷. _____، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، تحقیق محمد باقر خالصی، قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین بی تا.
۳۸. فاضل مقداد حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، *الأنوار الجلالیة للفصول النصیریة*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۰ه.ق.
۳۹. _____، *اللوامع الالهیة فی المباحث الكلامیة*، تعلیق سید محمد علی قاضی طباطبایی، چاپ دوم، قم: مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۴۰. فخرالمحققین، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد*، قم: مطبعة علمیه، ۱۳۸۷.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *أصول من الکافی*، تصحیح علی اکبر الغفاری، چاپ سوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.

۴۲. گروهی از نویسندگان، موسوعة طبقات الفقهاء، تحت اشراف جعفر سبحانی، قم: نشر اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق (عليه السلام)، بی تا.
۴۳. ماحوزی، الشیخ سلیمان، السلافة البهية في الترجمة المیشمية (ضمیمه بحرانی یوسف)، بیروت: کسکول، ۱۴۰۶ه.ق.
۴۴. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید، المعتبر فی شرح المختصر، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۷ه.ق.
۴۵. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ه.ق.
۴۶. مرتضوی، منوچهر، «دین و مذهب در عهد ایلخانان»، نشریه دانشگاه ادبیات تبریز، شماره ۱۰.
۴۷. مردیها، سید مرتضی، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۱، شماره ۶.
۴۸. مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو، ۱۳۷۳.
۴۹. همدانی، رشیدالدین فضل الله، بیان الحقائق، به کوشش نجیب مایل هروی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی تا.